

بررسی پدیده‌ی پیوندگونی از دیدگاه پسااستعمار گرایانه‌ی هومی بابا در داستان در کشور آزاد اثر وی. اس. نایپل

علی دهداری^۱ ، دکتر علیرضا جعفری^۲



چکیده

این نوشته برآن است تا توجه محققین را به تعریفی که هومی بابا از مفهوم پیوندگونی دارد جلب نماید. مفهوم پیوندگونی از دیدگاه بابا، که یکی از مفاهیم کلیدی مطالعات پسا استعماری است، به بررسی تاثیرات ناشی از تقابل فرهنگ‌ها به خصوص در رودررویی فرهنگ‌های استعمارگر با سایر فرهنگ‌ها می‌پردازد. در این نوشته نگارندگان به بررسی تاثیر آشنایی با مفهوم پیوندگونی در خوانش متون پسا استعماری می‌پردازند. داستان در کشور آزاد اثر وی. اس. نایپل به عنوان نمونه‌ای از آثاری است که گنجایش چنین خوانشی از متن را دارد. در این اثر، نایپل اشکال گوناگونی که در آن شخصیت‌ها از دو فرهنگ رودررو تحت تاثیر پیوندگونی قرار می‌گیرند به تصویر می‌کشد. پدیده‌ی پیوندگونی از دیدگاه بابا می‌تواند رهنمون فرد به این امر باشد که جهت کاستن عوارض فرسایشی ناشی از تقابل فرهنگ‌ها، مختصات فرهنگی شخص بایست در دیگ جوشان پیوندگونی فرهنگی ذوب گردد.

کلید واژه: پیوندگونی، پسااستعمارگرایی، تعامل، تقابل، هویت

1 - (ali.dehdari@gmail.com) کارشناسی ارشد ادبیات انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

2 - (jafari45@yahoo.com) استادیار دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

ذات تعامل در تقابل فرهنگ‌های استعمارگر و استعمارزده چیست؟ پدیده‌ی پیوندگونی چیست؟ نقش پدیده‌ی پیوندگونی در تبیین ذات تعامل در تقابل فرهنگ‌ها چیست؟ تعریف هومی بابا^۱ از پدیده‌ی پیوندگونی چیست؟ این سوال‌ها و سوال‌هایی از این دست شکل دهنده‌ی اساس نوشتۀ‌ای است که در آن نگارندگان سعی بر آن دارند با نگاهی به ابعاد مختلف پدیده‌ی پیوندگونی از منظر هومی بابا (۱۹۴۹-۱۹۳۲) به بررسی نقش این مفهوم در خوانش متن داستان در کشور آزاد^۲ اثر وی. اس. نایپل^۳ (۱۹۳۲-۱۹۴۹) بپردازنند. جهت نیل بدین هدف، نگارندگان ابتدا با نگاهی اجمالی به چارچوب کاری هومی بابا، به بررسی تاریخچه‌ی این مفهوم و تعاریف آن پرداخته و در قسمت بعدی با نگاهی گذرا به زمینه‌های شکل گیری اثر در کشور آزاد، از جمله زمینه‌های مؤثر بر کار وی. اس. نایپل و نقش حرکت پسااستعماری در شکل گیری این اثر، به بازبینی تأثیر آشنایی با مفهوم پیوندگونی در خوانش این متن می‌پردازند.

هومی بابا

هومی بابا با کار بر روی مفاهیمی از قبیل "پیوندگونی"^۴ و "درزگون"^۵ و "فضای سوم"^۶ تأثیر خود بر گفتمان پسااستعماری را اعمال می‌کند؛ اگرچه دستاوردهای انتقادی بابا به این واژه‌ها محدود نمی‌شود. شرحی از چارچوب انتقادی بابا که

1 - Homi K. Bhabha

2 - In a Free State

3 - V. S. Naipaul

4 - "hybridity"

5 - "interstitial"

6 - "third space"

در کتاب گزیده‌ی تئوری و نقد نورتون^۱ (۲۰۰۱) آمده است بدین گونه آغاز می‌گردد: "هومی بابا، که چهره‌ای برجسته در مطالعات پسااستعماری است، تفکر در خصوصیات ملیت، قومیت و سیاست را با تئوریهای پس از اختارگرایانه‌ی هویت و عدم قطعیت در هم آمیخته است" (۲۳۷۷). ام. ای. آر. حبیب^۲ در کتاب تاریخچه‌ای از نقد ادبی: از افلاطون تا کنون^۳ (۲۰۰۵) به اصول خاص پس از اختارگرایی که بابا به گفتمان‌های پسااستعمارگرایی، ملیت و فرهنگ بسط داده اشاره می‌کند. بنا بر گفته‌ی حبیب، این اصول به چالش کشیدن مفهوم هویت با ثبات، تضعیف تدریجی تقابل‌های دوگانه، تأکید بر زبان و گفتمان به همراه روابط قدرتی که در آن این اصول) ترتیب یافته‌اند—به عنوان زیرساخت درک ما از پدیده‌های فرهنگی هستند (حسب (۷۵۰).

تاریخچهی کاربرد مفهوم پیوندگونی

تاریخچه‌ی کاربرد مفهوم پیوندگونی در عصر حاضر به کاربرد آن توسط میخایل بختین^۴ (۱۸۹۵-۱۹۷۵) در اثر "گفتمان در داستان بلند"^۵ بر می‌گردد. از سویی، تعریفی که بابا از مفهوم پیوندگونی در اثر "تعهد به مبانی نظری"^۶ (۱۹۸۹) ارائه می‌دهد یادآور نقل قولی است که ماریا-ترزیا هلوپ^۷ از هلن سیزو^۸ (۱۹۳۷-) در دانشنامه‌ی دکتری خود دارد. در این تعریف بابا از پیوندگونی به عنوان "چیزی جدید، نه این و نه آن،" که برخاسته از "قضای سوم" است یاد می‌کند. در میان سایر

1 - The Norton Anthology of Theory and Criticism

2 - M. A. R. Habib

3 - A History of Literary Criticism: From Plato to the Present

4 - Mikhail Bakhtin

5 - "Discourse in the Novel"

6 - "The Commitment to Theory"

7 - Maria-Theresia Holub

8 - Helen Cixous

۳۲۸

چهره‌هایی که نظریاتشان بر کار بابا در زمینه‌ی نظریه‌ی پیوندگونی مؤثر بوده می‌توان از والتر بنجامین^۱ (۱۸۹۲-۱۹۴۰)، زیگموند فروید^۲ (۱۸۵۶-۱۹۳۹)، ژاک لکان^۳ (۱۹۰۱-۱۹۸۱)، میشل فوکو^۴ (۱۹۲۶-۱۹۸۴)، ژاک دریدا^۵ (۱۹۳۰-۲۰۰۴) نام برد. در این میان تأثیری که نظریات دریدا بر کار بابا داشته در اعتقاد بابا به تأثیرات به تعویق اندازندگی معنا و ایجادکننده‌ی تفاوت معنایی در زبان، از دیدگاه دریدا، مشهود است. وجود چنین ویژگی‌هایی در زبان استعمارگر زبان را غیر قابل کنترل می‌سازد. فقدان کنترل کامل بر زبان عامل ایجاد سستی در قدرت استعماری است. از آنجا که زبان از جمله‌ی قدرتمندترین ابزار إعمال سلطه در دستان استعمارگر است، این ویژگی‌های زبان می‌تواند به عنوان نقاط آسیب پذیر زبان به شمار آید.

بابا با گریزی بر نظریات بنجامین بر این باور است که "در تقابل استعماری، این تنها استعمارزدگان نیستند که تحت تأثیر شیوه‌های غربی اند" بلکه "استعمارگران نیز زمانی که استعمارزدگان اشکال قرضی را جهت ادای روایات متمایز خودشان به کار می‌گیرند—روایاتی که سلطه‌ی فرهنگی استعمارگران را "برهم زده" و "معکوس می‌کند"—مسخ می‌شوند" (وربner ۱۳۶). چنین برداشت‌هایی از نظریات بنجامین ریشه در نظریات او در خصوص ترجمه دارد. بنجامین معتقد است که "ترجمه‌ی دقیق ناممکن است، چون منظور واژه‌ها در ترجمه از بین می‌رود." او بر این باور است که معانی متن اصلی "در معرض بازبینی‌های تاریخی آینده" هستند. در نتیجه، "هیچ ترجمه‌ای قادر به ادای حق مطلب در خصوص معانی اصلی نیست." با این حال "ترجمه‌ها قادرند،" (آنگونه که) بنجامین اعلام می‌دارد، "زبان ترجمه را بسط

۱ - Walter Benjamin

۲ - Sigmund Freud

۳ - Jacques Lacan

۴ - Michel Foucault

۵ - Werbner, Pnina

داده و در آن معانی جدید ایجاد کنند" (همان). این "معانی جدید" تبدیل به فرصتی برای استعمار زدگان جهت به کارگیری "اشکال قرضی" شان و "ادای روایات متمایز خودشان" می‌گردد.

همسان پنداری^۱ محدوده‌ای است که در آن مفاهیم روانشناسانه از جمله "عقده‌ی او دیپی"^۲ فروید و "دیگری"^۳ لکان هومی بابا را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مشابه مرحله او دیپی، فرد^۴، در مفهوم کلی کلمه، قادر به عشق ورزیدن و متنفر بودن از کسی^۵ است که می‌خواهد با آن همسان باشد. این امکان وجود دارد که شخصیتی مانند پیتر^۶ را در داستان در کشور آزاد به عنوان مثال از شخصی آورد که به طور همزمان در صدد همسان پنداری با استعمارگری است که از آن متنفر است. ریشه‌ی این تأثیرپذیری را در این نظریه‌ی فروید می‌توان یافت: کودک مایل به تملک والد از جنس مخالف است در حالی که به طور همزمان می‌خواهد با عنوان والد هم‌جنس خودش شناخته شود. دوسویگی^۷ حاصل از این حالات عشق/تنفر با مفهوم "دیگری" لکان، که نقش تعیین کننده‌ای در خود-همسان پنداری دارد، در ارتباط است. آشنایی با نظریات لکان در خصوص مفهوم "دیگری" و ارتباط آن با همسان پنداری در ایجاد شناخت از این نقش مؤثر است. بنا به گفته‌ی برتنز^۸، "از دیدگاه لکان، ما برای رسیدن به آنچه که به عنوان هویتمن تجربه می‌کنیم محتاج به شناخت و پاسخ دیگران و دیگری هستیم" (برتنز ۱۶۱). شخصیت بابی^۹، به عنوان یک تبعه‌ی انگلیسی در داستان در کشور آزاد درگیر

1 - identification

2 - "Oedipal Complex"

3 - "the Other"

4 - subject

5 - object

6 - Peter

7 - ambivalence

8 - Bertens, Hans

9 - Bobby

۳۴۰

این دوسویگی جهت خود-همسان پنداری است که این امر به نوبه‌ی خود یادآور پیوندگونی است. البته نکات قابل ذکر دیگری نیز در خصوص ارتباط همسان پنداری با پیوندگونی وجود دارد. پال اهلولیه^۱، در کتاب سیاست و نظریه‌ی پسااستعماری: تصrifat Afriqayi^۲، ارجاعی به هومی بابا دارد در جایی که می‌گوید: "فضایی مایین وجود دارد که شکل دهنده‌ی هویت است" (ahloulye ۱۲۸). جهت روشن شدن بهتر ارتباط هویت با پیوندگونی، اهلولیه چنین از بابا نقل قول می‌کند: "این مسیر در زگون، در میان همسان پنداری‌های ثابت، احتمال پیوندگونی فرهنگی‌ای را ایجاد می‌کند که تفاوت را بدون سلسله مراتبی مفروض یا تحمیلی مورد توجه قرار می‌دهد" (همان.). در حرکت پسااستعماری، چهره‌ای چون سزر^۳ وجود هر گونه "تماس انسانی" بین استعمارگران و استعمارزدگان را به جز "روابط غلبه چویی و مغلوبیت که فرد استعمارگر را به یک مبصر کلاس، گروهبانی ارتشی، نگهبان زندان، یک برده دار و فرد بومی را به ابزار تولید تبدیل کرده" نفی می‌کند (برتنز ۲۰۶). در تمامی گزارشات کلان شهرها، غرب با این امر که "دختران و پسران ... اروپایی منظم و متمدن ممکن است ... تحت تأثیر فرهنگ‌هایی که با آن مواجه می‌شوند قرار گیرند" به همان شکلی که حضور آنها بومیان آن سوی مرزها را تحت تأثیر قرار می‌دهد "راحت نبوده اند" (برتنز ۲۰۶-۷). به هر حال، ادبیات مثال‌های ناقض این امر مثل کرتز^۴ در قلب تاریکی^۵ (۱۹۰۲) را ارائه می‌دهد. یکی از نکات قابل توجه در خصوص ذات حقیقی تعامل میان استعمارگران و استعمارزدگان این است که در ظاهر، استعمارزدگان تنها قربانیان نظام استعماری به نظر می‌آیند؛ در حالی که، استعمارگران با مشکلی مواجه اند که

1 - Pal Ahluwalia

2 - Politics and Post-colonial Theory: African Inflections

3 - Césaire, Aimé

4 - Kurtz

5 - Heart of Darkness

آنها را نیز قربانی می‌سازد. از این مشکل می‌توان با عنوان هویت در حال انحطاط یاد کرد. گفتمان در خصوص هویت در حال انحطاط^۱ محل تقاطع بسیاری از مباحث پسا استعماری است. این امر می‌تواند دلیلی بر ادعای پل جی^۲ باشد: "تمامی اشکال فرهنگی پیوندگون اند" (جی ۱۸۶) و یا گفته‌ی کوامه آنتونی آپیا^۳: "ما همگی آلوده‌ی یکدیگریم" (بال^۴ ۱۱). هویت در حال انحطاط می‌تواند نتیجه‌ی مستقیم پیوندگونی در فرهنگ باشد. هویت در حال انحطاط می‌تواند منجر به بحران هویت هم در فرهنگ استعمارگر و هم در فرهنگ استعمارزده شود. این حقیقت که پیوندگونی "سلطه‌ای را که بر اساس طبقه بندی تفاوت‌ها است تهدید می‌کند" از جمله‌ی مهمترین جنبه‌های پیوندگونی بابایی است. پیوندگونی "جای علائم تفاوت را با علائم اقتدار بر هم می‌زند" (روتنبرگر^۵ ۳-۴).

بسیاری از تعاریف بابا از مفهوم پیوندگونی در کتاب موقعیت فرهنگ گنجانده شده است. قبل از پرداختن به تعاریف بابا، نگاهی به روند شکل گیری فرایند پیوندگونی از دیدگاه پل جی خالی از لطف نخواهد بود:

لزوم تغییر فرهنگی منجر به شکل گیری بومیانی شد که، به خاطر اجبار در جذب نموده‌ای فرهنگی و عقاید مذهبی غرب، آنها را به شکل ناملموسی تغییر داده تا با رسوم بازمانده‌ی خودشان متناسب باشد. نیروهای استعمارگر، در ضمن تلاش جهت از بین بردن فرهنگ برده‌ها و بومیان، در پاره‌ای از موارد این رسالت خود را از یاد برده و اغلب متحمل این امر شده و حتی آن رسوم را به کار برده اند، به این دلیل

1 - fading identity

2 - Paul Jay

3 - Kwame Anthony Appiah

4 - Ball, John Clement

5 - Rothenburger, Sunni Maye Justine

که این امر باعث تسهیل فرایند تغییر هم افراد بومی و هم برده‌گان حمل شده به افرادی مطیع فرهنگ غرب می‌شد. نتیجه، فرهنگی مختلط برای هم استعمارگران و هم استعمارزدگان بود. برای استعمارگران، این نوع تلفیق^۱ کمک به تسهیل تسبیح فرهنگی مجتمع بومی و برده‌گان بود، ولی در همین حال اندکی کنترل (بر این فرهنگ تلفیقی) را برای این مجتمع سبب شد—کنترلی که اغلب باعث تغییر فرهنگ خود استعمارگران بود. این گونه از تلفیق نتایج مختلطی برای استعمارزدگان، که فرهنگ خود را عمدلاً بر باد رفته دیده ولی در عین حال قادر به تزریق بازمانده‌های فرهنگی خود به فرهنگ تحملی بر آنها بوده، نیز دربرداشت. (جی ۱۷۸) واضح است که دو فرهنگ با به کارگیری سلطه‌ی صرف از یک سو قادر به ایجاد تعاملی مناسب نیستند. ویژگی‌های فرهنگی‌ای وجود دارند که فرهنگ‌های استعمارگر، خواسته یا ناخواسته، از فرهنگ‌های استعمارزده برداشت می‌کنند. با توجه به تمامی این نکات فهم تعریف بابا از مفهوم پیوندگونی آسان‌تر می‌گردد:

پیوندگونی نشانی از مولّد بودن قدرت استعماری است، نشانی از نیروها و بنیان‌های در حال تغییر است. این نامی است برای واژگون سازی استراتژیک فرایند سلطه از طریق انکار^۲ (یعنی، تولید هویت‌های تمیزگری که هویت اصلی و ناب سلطه را تضمین می‌کنند).

(موقعیت فرهنگ ۱۵۹)

در جایی دیگر از همین مطلب تعریف بابا از پدیده‌ی پیوندگونی چنین است: "نامی است برای جابجایی ارزش از سمبول به نشانه که باعث می‌شود گفتمان غالب

1 - syncretism

2 - disavowal

در طول محور قدرتش بشکند تا نماینده، سلطه جو" و همچنین "معضلی از فردیت و نمود استعماری باشد که تأثیرات انکار استعماری را معکوس می‌کند،" بدان سان که "سایر علوم "نادیده انگاشته" وارد گفتمان غالب شده و اساس سلطه‌ی آن را—قواعد شناختش—آشنا زدایی می‌کند" (همان. ۱۶۲). همان گونه که از تعاریف بالا بر می‌آید، رسیدن به تعریفی قابل فهم از زبان بابا، با توجه به نثر ثقيل وی، امری تقریباً مشکل به نظر می‌رسد؛ ولی تعبیر نینا وربنر به فهم این تعریف کمک می‌کند. تعبیری که وربنر از تعریف پیوندگونی بابا با عنوانی چون "دو نقش داشتن یک علامت" ... دارد این است که "شیء یا رسمی مشخص که در زمینه‌ای متفاوت قرار گیرد معانی کاملاً جدیدی کسب کرده، در همان حالی که انعکاس دهنده‌ی معانی قدیمی است" (وربنر ۱۳۶).

تأثیر مفهوم پیوندگونی بر نقد جدید

اما این تعاریف بابا از مفهوم پیوندگونی الهام بخش سایر معتقدین نیز بوده است. از دیدگاهی مارکسیستی، پاتریک ولف^۱ پیوندگونی را به عنوان "نتیجه‌ی آشکارا مادی براندازی آغازین وجه تمایز استعماری" در نظر می‌گیرد (ولف ۴۱۶). به بیان دیگر، ول夫 از "اصطلاحات زیاد-اقتباس شده‌ی هومی بابا" اقتباس می‌کند تا پیوندگونی را به عنوان "وضعیتی مدرن که نه تنها شامل طبقه بندهای دو وجهی استعمارگرایی می‌شود بلکه از آن نیز فراتر می‌رود" اظهار دارد (همان. ۴۱۵). چارلز ای. برسلر^۲ با تعریف پیوندگونی به عنوان "واژه‌ی مورد بحث و جدل نظریه پردازان پسااستعماری که به إلتقطاط و إختلاط دو فرهنگ اشاره دارد" از ارائه‌ی تعریفی معین از مفهوم پیوندگونی سر باز می‌زند (برسلر ۳۴۵). بحث در خصوص تاریخچه‌ی

1 - Patrick Wolfe

2 - Charles E. Bressler

مفهوم پیوندگونی و تعاریف این مفهوم به شکلی گستردۀ تر در دانشنامه‌ی کارشناسی ارشدی، از نگارندگان این اثر با عنوان "بررسی پدیده‌ی پیوندگونی از منظر هومی بابا در در کشور آزاد اثر وی. اس. نایپل و پیوند خونی اثر آثالو فوگارد^۱" که این نوشه‌تۀ از آن استخراج شده، نگاشته شده ولی محدودیت فضا اجازه‌ی باز کردن بیشتر بحث را در این مجال به نگارندگان نمی‌دهد.

نگاهی به شکل گیری اثر

پیش از پرداختن به تأثیر آشنایی با مفهوم پیوندگونی در خوانش اثر "در کشور آزاد" نگاهی به زمینه‌های شکل گیری این اثر و زمینه‌های مؤثر بر کار خالق این اثر مخصوصاً نقش حرکت پسااستعماری در شکل گیری این اثر خالی از لطف نیست. نیمه‌ی دوم قرن بیستم شاهد زیر سؤال رفتن مفروضات پذیرفته شده در فعالیت‌های اجتماعی و ادبی بود.

موضوع متقدیین در اوخر دهه‌ی ۶۰ مبنی بر اینکه "تمامی واقعیات ساخته‌ای اجتماعی هستند" استقلال اسطوره‌ی واقعیت را از آن گرفت (برسلر ۲۳۴). این دیدگاه غیر متقن به واقعیت منجر به ایجاد مشکلاتی در زمینه‌ی ارزش‌های اخلاقی و هنجارها که مستلزم وجود واقعیت صرف هستند شد. متفکرین با قراردادن "یک گروه فرهنگی غالب" به عنوان بنیان در هر جامعه این مشکل را حل کردند. این امر به نوبه‌ی خود منجر به واپس زدگی^۲ گروههایی شد که همنگ جماعت نشدند. از میان این گروهها، آنهایی که سکوت را نپذیرفتند روندی را شکل می‌دهند که از آن با عنوان مطالعات فرهنگی یاد می‌شود. نقد پسااستعماری شاخه‌ای از مطالعات فرهنگی^۳ است. نیل

1 - "A Study of the Notion of Bhabhaesque Hybridity in V. S. Naipaul's In a Free State and Athol Fugard's Blood Knot."

2 - suppression

3 - Cultural Studies

لازاروس^۱، در کتاب راهنمای مطالعات ادبی پسااستعماری کمبریج^۲ در تبیین نقد پسااستعماری چنین از هومی بابا نقل قول می‌کند:

نقد پسااستعماری شاهدی است بر نیروهای نمود فرهنگی نابرابر و ناموزون درگیر رقابت بر سر سلطه‌ی اجتماعی و سیاسی در نظام نوین جهانی. دورنماهای پسااستعماری از شهادت استعماری کشورهای جهان سوم و گفتمانهای "اقلیت‌ها" در تقسیمات ژئوپولیتیکی شرق و غرب، شمال و جنوب پدیدار می‌شوند. (لازاروس^۳)

با تمامی این احوال، اگرچه مقاومت ویژگی شاخص تفکر و نگرش پسااستعماری است، این امر بندرت در آثار نایپل نمود دارد و همان طور که سلوین آر. کاجو^۴ در کتاب وی. اس. نایپل: خوانشی مادی گرا^۵ بدین امر اشاره دارد نایپل بر آن است تا به جای آن در هنر روایی آثارش طرف ارزش‌های استعماری را بگیرد. با این وجود، کاجو معتقد است "کار وی. اس. نایپل به شکلی فراموش نشدنی با واقعیت استعماری و پسااستعماری تحریر شده است" (کاجو^۶).

در بررسی عوامل مؤثر بر آثار نایپل باید به این نکته توجه داشت که نایپل خود زاده‌ی تقابل فرهنگ هاست. "رشد" نایپل "در محیطی مغلوب سیاهان ترینیدادی" و "تحصیل در نظام استعماری" می‌تواند دلایل نگاه فاقد احترام او به سیاهان و آفریقا باشد. ریشه‌های برهمن او نیز می‌تواند باعث تقویت "موقع ضد آفریقایی" او "در آثارش" و "آمادگی او جهت ملامت آفریقا به عنوان نقطه‌ای بدون آینده‌ای روشن" باشد (اسمیت vi).

1 - Neil Lazarus

2 - The Cambridge Companion to Postcolonial Literary Studies

3 - Selwyn R. Cudjoe

4 - V. S. Naipaul: A Materialist Reading

شاید به همین دلیل است که سوزان تتلو هارینگتون^۱ در چکیده‌ی دانشنامه‌ی دکتری اش ادعا می‌کند، در اثر در کشور آزاد، نایپل "نتایج تلخ حاصل از استعمارگرایی را با بررسی دلایلی که چرا جدال‌های خونین بر سر قدرت در کشورهای تازه استقلال یافته‌ی آفریقای استوایی بعضاً به حکومت‌های تک حزبی یا دیکتاتوری ختم شده اند" دست مایه‌ی آثارش می‌کند. شرحی که سو توomas^۲ در کتاب متفکران هند غربی در بریتانیا^۳ از وی، اس. نایپل دارد انگیزه‌ی کار نایپل را فاش می‌سازد. توomas می‌گوید "حسن زندگی در حاشیه‌ی یک فرهنگ سیاه استعماری غالب در پورت آو إسپین و بعدها در یک فرهنگ سفید انگلیسی غالب" به سان "إقامة در نوعی برباز" به عنوان بی خانمانی وجودی در خصوص جامعه‌ی مبهم" برای نایپل است (بیل شوارز^۴). (۲۲۹).

در کشور آزاد در لوای مفهوم پیوندگونی

پس از این نگاه گذرا به زمینه‌های مؤثر بر کار خالق این اثر و زمینه‌های شکل گیری آن، اکنون نوبت به بازبینی تأثیر آشنایی با مفهوم پیوندگونی در خوانش متن می‌رسد. البته ذکر این نکته ضروری است در بخش سوم از دانشنامه‌ی کارشناسی ارشد به قلم نگارندگان این اثر به عنوانین بالا به شکل مشروحی پرداخته شده است. یکی از عوامل مؤثر در داشتن خوانشی مناسب از متن داستان در کشور آزاد توجه به زمان و مکان داستان است. مکان واقعه منطقه‌ای استعمارزده است که با میراث اروپایی‌ها، که به گفته‌ی هارینگتون، در چکیده‌ی دانشنامه اش، "آموزش شیوه‌ها و ابزار استثمار به آفریقایی‌ها" است، اداره می‌شود. در نتیجه، نظام حکومتی دولت از جمله‌ی ساختارهای پیوندگونی است که در آن استعمارگرایی جای خود را به

1 - Susan Tetlow Harrington

2 - Sue Thomas

3 - West Indian Intellectuals in Britain

4 - Bill Schwarz

استعمارگرایی نوین داده است. استعمارگرایان سابق کلان شهرها جای خود را به دیکتاتورهای محلی داده اند. البته نایپل به دلایلی، از جمله احتمالاً تأکید بر جهان شمالی داستان علی الخصوص برای کشورهای استوایی آفریقا، از بردن نام این کشور خودداری می‌کند ولی توصیفی که از وضعیت این کشور می‌دهد اوگاندا را به خاطر می‌آورد.

پیوندگونی در لایه‌های مختلف متن وجود دارد. همان طور که لری آلن هاستن^۵، در دیباچه‌ی دانشنامه‌ی دکتری با عنوان "از زندگینامه تا سیاست: رشد ادبیات داستانی نایپل (ترینیداد و توباگو)"^۶ می‌گوید، این واقعیت که "در کشور آزاد شامل اولین داستانها بعد از دوره‌ی زندگینامه نگاری نایپل است" زمانی که "نایپل تفاوت بین این دو شیوه را با گنجاندن قالبی زندگینامه‌ای به دور داستان‌ها مشخص می‌کند" نشان دهنده‌ی پیوندگونی در تکنیک است. ارجاع خودآگاه یا ناخودآگاهانه‌ی نایپل به پیوندگونی از خطوط آغازین داستان قابل مشاهده است. حکومت منطقه‌ی مورد بحث زیر نظر ترکیبی از سلطنت و ریاست جمهوری است؛ اجماع تنافقاتی که با تبدیل رئیس جمهور به دیکتاتوری تمام عیار فرایند تبدیل استعمار به استعمار نوین را به یاد می‌آورد. این وضعیت زمانی که خواننده پی می‌برد که "پادشاه و رئیس جمهور با نمایندگان دولت‌های سفیدپوست توطئه می‌کردند" بغرنج تر می‌شود (نایپل ۹۹). زمانی که نوبت به "قلمرو پادشاه" می‌رسد، پیوندگونی فرهنگی خود را در قالب "اسم استعماری ساواذرن کلکتوریت"^۷ به نمایش می‌گذارد (۹۹). اسمی که میراث دوران حضور استعمارگران کلان شهرها در آن منطقه است و حتی با رفتن آنها نیز تعویض نشده است.

5 - Larry Alan Husten

6 - "From Autobiography to Politics: The Development of V. S. Naipaul's Fiction (Trinidad and Tobago)."

7 - Southern Collectorate

همان طور که اشکرافت و سایرین^۱ در کتاب مطالعات پسااستعماری: مفاهیم کلیدی^۲ بیان می‌کند، "پیوندگونی اشکال متعددی می‌گیرد: زبانشناسانه، فرهنگی، سیاسی، نژادی و غیره" (۱۱۸). یکی از اشکالی که پیوندگونی نمود دارد در گفته‌های فرد زولو^۳ است: "الآن در این شهر حتی فواحش سفیدپوست هم هستند" (۱۰۱). تقریباً در تاریخ هر ملت استعمارزدهای دوره‌ای وجود دارد که آنها مورد تجاوز استعمارگران قرار گرفته اند. پیش از این حتی فکر خودفروشی سفیدپوستان در مخیله‌ی استعمارگران نمی‌گنجیده است. ولی اکنون که قرار است فرایند استعمارگرایی سابق جای خود را به استعمارگرایی نوین دهد چه دستاویزی بهتر از این امر می‌تواند اذهان بومیان را مشغول سازد؟ این امر مصدقی از حالتی است که در آن عدم مقاومت در مقابل تهاجم فرهنگی در نهایت منجر به پیوندگونی فرهنگی شده است.

یکی دیگر از مصادیق پیوندگونی در شخصیت فرد زولو نمود می‌یابد. ارجاع فرد زولو به وجود "فواحش سفیدپوست" در شهر، انتقاد وی از تمایل "سفیدپوستان ... برای بودن در کنار بومیان" می‌تواند شکلی از فرافکنی باشد و در واقع اشاره‌ای به پیوندگونی نژادی وی داشته باشد. شیوه‌ای که او بایی را با واژه‌ی "میستر"^۴ مورد خطاب قرار می‌دهد—واژه‌ای که فواحش با آن مشتریان خود را خطاب قرار می‌دهند، می‌تواند دلیلی بر این ادعا باشد (۱۰۲). ناگفته نماند شیوه‌ای که نایپل با آن فرد زولو را به تصویر می‌کشد می‌تواند تحت تأثیر نگاه فاقد احترام وی به آفریقا و بومیان آن باشد. یکی دیگر از نمودهای فرهنگی پیوندگونی پوشش بایی در موقعیت‌های مختلف داستان است—پوششی که بیشتر با هدف همنگ شدن با جماعت انتخاب شده است و مشخصه‌ی بارز آن بومی بودن است.

1 - Ashcroft et al.

2 - Post-Colonial Studies: The Key Concepts

3 - Zulu

4 - mister

همان طور که قبل از ذکر شد، پیوندگونی زبانشناسانه یکی از اشکال پیوندگونی است. یکی از مصادیق نمود این امر استفاده‌ی بابی از اشکال بومی زبان—پیجین^۱—در مکالماتش است. یکی از بارزترین نمودهای این امر در مکالمه‌ی بابی با فرد زولو رخ می‌دهد زمانی که می‌گوید: "وقتی دوباره زاده شم" (نایپل ۱۰۳). مسئله‌ای که نباید فراموش شود تلاش بابی برای همنگ شدن با این جماعت به هر قیمتی است. این تلاش در دلایل بابی جهت اقامت در این کشور قابل مشاهده است:

بابی گفت: "من برای خدمت اینجا هستم." من نیامدم اینجا که بهشان بگم چطوری مملکتشان را بگردانند. از این چیزا بیش از حد هست. اینکه آفریقا ییها چه نوع حکومتی را می‌پسندن داشته باشند هیچ ربطی به من ندارد. این امر این واقعیت را که او نا به غذا و مدرسه و بیمارستان احتیاج دارن تغییر نمیده. کسانی که نمیخان خدمت کنن هیچ کاری اینجا ندارن.

ممکنه به نظر وحشیانه بیاد ولی این دیدگاه من است. (نایل ۱۱۵)

به نظر می‌رسد نایپل در این قسمت حرف دل خود را از قول بابی بیان کرده است. اگر این ادعا درست باشد این قسمت یکی از نادر مواردی است که در آن همدردی نایپل با آفریقا قابل مشاهده است. اما خوانش این متن از دیدگاهی متفاوت و تصویر وجود کنایه در گفتار بابی نیز می‌تواند به خاصیت ارجاع چندگانه در زبان نایپل اشاره کند که به نوبت خود حاکی از پیوندگونی در تکنیک نایپل است. کنایه‌ای که در

قسمت قبلى تصور شد می‌تواند در ادامه به طنزی گزنده تبدیل شود:

بابایی گفت: "اوگونا وانگا-بوترهٔ مافوق منه." "اون رئیس منه. من

بهش احترام میزارم. و فکر کنم او نم به من احترام میزاره.

1 - pidgin

2 - Ogguna Wanga-Butere

"بخشیدا، ولی وقتی اون اسما رو اونطوری میگی، خیلی خنده دارشون
می‌کنی."

"من قویاً حسم اینه که اروپایی‌ها باید خودشونو مقصّر بدونن اگر تعصّبی

علیه شون وجود داره. هر روز رییس جمهور هر جا میره، به مردمش
میگه وجود ما لازمه. ولی اون که احمق نیست. او میدونه که دستان پیر
استعمار از آستین بیرون اومدن تا آخرین پنی رو که بتونن قبل از فرار
به جنوب برداشت کن. این منو به خنده میندازه. ما آفریقا‌یها رو در

مورد فساد نصیحت می‌کنیم. (نایپل ۱۲۱)

جملات بابی نشانده‌نده‌ی پاسخ بابی به ندای ایدئولوژی غالب است. این گونه
از همنگی با شرایط حاضر پذیرش آن را ساده‌تر می‌گرداند. ظاهراً، اولین نتیجه‌ی
پیوندگونی بابی این است که پیوندگونی او را قادر می‌سازد تا با شرایط بهتر کنار بیاید
و از پس مشکلاتش در تقابل فرهنگ‌ها برآید. یکی دیگر از نکات مهم نهفته در
جملات بابی ارجاع وی به نحوه عملکرد استعمارگرایی نوین—که میتوان از آن با
عنوان استعمارگرایی پیوندگون یاد کرد—است وقتی که می‌گوید "دستان پیر استعمار
از آستین بیرون اومدن تا آخرین پنی رو که بتونن برداشت کن."

نایپل از روش‌های متنوعی برای به تصویر کشیدن پیوندگونی در متن استفاده
می‌کند. کار نویسنده‌ی ادبیات داستانی مانند نمایشنامه نویس به دیالوگ‌ها و دستورات
صحنه محدود نیست. در کنار دیالوگ‌ها، نویسنده قادر به استفاده از توصیفات
و تشریحات در موقعیت‌های مختلف است. شخصیت سرهنگ در نقطه‌ی مقابل
شخصیت بابی قرار دارد. میتوان این شخصیت را به عنوان استعاره‌ای از ناکارآمدی
روش پدرسالارانه‌ی کلان شهرها در استعمار به کمک نیروهای نظامی در نظر گرفت.
شاید تلاش سرهنگ برای همنگ نشدن با جماعت اطرافش عمدۀ ترین دلیل سلب

آسایش از او و حتی عدم توانایی در داشتن یک خواب بدون ترس است. شاید به همین دلیل است که او به پیتر تأکید می‌کند: "نفرت تو مرا زنده نگه می‌دارد" (ناپل ۱۸۲). برداشت وی از آفریقا و آفریقاپیان، در جای خود، جای تأمل دارد: "میگن هر جایی هم خوب داره هم بد. اینجا نه خوب هست نه بد. اونا فقط آفریقایی ان. اونا کاری که باید بکن میکنن. این اون چیزیه که باید به خودت بگی. نمیتونی ازشون متغیر باشی. حتی نمیتونی ازشون عصبانی بشی. واقعاً عصبانی" (ناپل ۱۸۵). اگر بتوان خوب/بد را به عنوان تقابلی دوگانه در نظر گرفت، آنچه آفریقاپیان هستند فضای سوم پیوندگونی در میانه‌ی این تقابل را اشغال می‌کند. البته علیرغم مقاومت سرهنگ در تأثیرپذیری از فرهنگ استعمار زدگان در این کشور آفریقایی، اشاره‌ی غیر مستقیم با بی به این مسئله که "فکر میکردم فقط آفریقاپیا بو میدن" نشان از تحت تأثیر قرار گرفتن سرهنگ می‌دهد (ناپل ۲۰۶).

پیوندگونی در رفتار، به عنوان یکی از جنبه‌های نمود پیوندگونی، در متن قابل مشاهده است. یکی از موارد این شکل پیوندگونی تقلیدی است که قبیله‌ی غالب رئیس جمهور از رفتار استعمارگران عرب برده فروش دارند: "برخی به شیوه‌ی سنتی جنگل به بند کشیده شده بودند، گردن به گردن، در گروههای سه یا چهار نفری، گویی آماده بردن به بازار برده فروشی" (ناپل ۲۲۹). این امر یادآور احیاء روش‌های سنتی استعمارگران در استعمارگرایی نوین است. روش همان شیوه‌ی سنتی است فقط این‌بار اعمال آن تغییر کرده است.

داستان با توصیفی از شخصیت نگهبان به پایان نزدیک می‌شود: "او نه از افراد قبیله‌ی پادشاه بود نه رئیس جمهور. او اهل کشور دیگری بود؛ در کلکتوریت شخصی بیطرف بود، یک تماشچی، و به اندازه‌ی مجموعه‌ای که از آن نگهبانی می‌کرد در امانت بود" (نایاب، ۲۳۸). به نظر می‌آید در آنجه نایاب، به تصویر می‌کشد و آنجه فحوای

کلام وی است تناقض وجود دارد. تنها شخصیتی که از امنیتی نسبی برخوردار است همین نگهبان است که با اجتناب از التقاط و اختلاط "به اندازه‌ی مجموعه‌ای که از آن نگهبانی می‌کند" در امنیت است. به نظر می‌آید دلیلی که ناپل این شخصیت را امن تصور می‌کند دوری وی از دیگ ذوب فضای سوم است. او به اصطلاح حافظ مرزی است که خود محصور فضاهای بیرونی و درونی مجموعه است.

نتیجه گیری

شاید در نهایت، اهمیت آشنایی با مفهوم پیوندگونی در خوانش این متن مشخص شده باشد. شاید افراد یک جامعه با اجتناب از اختلاط با دیگر جوامع شاهد امنیتی نسبی و حاشیه‌ای امن برای فرهنگ خود باشند. ولی عصر کنونی و لزوم تعامل فرهنگی در راستای پیشرفت هرگز چنین امری را بر نمی‌تابد. تعامل پیشرو در عصر حاضر هرگز نمی‌تواند ذاتی یکسویه داشته باشد. شاید راز تعامل پیشرو در عصر کنونی ذوب شدن مختصات فرهنگی جوامع و تشکیل تعاملی پیوندگون از این وضعیت باشد؛ تعاملی که در آن اصطکاک ناشی از تقابل مختصات متفاوت فرهنگی در نتیجه‌ی پیوندگونی به حدّ اقلّ ممکن برسد.

References

1. Ahluwalia, Pal, ed. *Politics and Post-colonial Theory: African Inflections*. London: Routledge, 2001.
2. Ashcroft, Bill, Gareth Griffiths, and Helen Tiffin, eds. *Post-Colonial Studies: The Key Concepts*. New York: Routledge, 2000.
3. Ball, John Clement. *Satire & The Postcolonial Novel*: V. S. Naipaul, Chinua Achebe, Salman Rushdie. New York: Routledge, 2003.
4. Bertens, Hans. *Literary Theory: The Basics*. London: Routledge, 2001.
5. Bhabha, Homi K. "The Commitment to Theory." *The Location of Culture*. London: Routledge, 1994.
6. ---. *The Location of Culture*. London: Routledge, 1994.
7. Bressler, Charles E., ed. *Literary Criticism: An Introduction to Theory and Practice*. 4th ed. New Jersey: Prentice-Hall, 2007.
8. Cudjoe, Selwyn Reginald. *V. S. Naipaul: A Materialist Reading*. Amherst: University of Massachusetts, 1988.
9. Habib, M. A. R. *A History of Literary Criticism: From Plato to the Present*. Oxford: Blackwell, 2005.
10. Harrington, Susan Tetlow. "British Writers in Tropical Africa, 1936-1985: Cultural Crossover in the Travel and Fictional Works of Elspeth Huxley, Graham Greene and V. S. and Shiva Naipaul (Trinidad and Tobago)." Diss. University of Maryland College Park. 1995.
11. Holub, Maria-Theresia. "Beyond Boundaries: Transnational and Transcultural Literature and Practice." Diss. State University of New York. 2007.
12. Husten, Larry Alan. "From Autobiography to Politics: The Development of V. S. Naipaul's Fiction (Trinidad and Tobago)." Diss. State University of New York at Buffalo. 1983.

13. Jay, Paul. “Hybridity, Identity and Cultural Commerce in Claude McKay’s ‘Banana Bottom.’” *Callaloo* 22 (1999). 01 Dec. 2009 <http://www.jstor.org/stable/3299961>
14. Lazarus, Neil, ed. *The Cambridge Companion to Postcolonial Literary Studies*. 1st ed. Cambridge: Cambridge University, 2004.
15. Leitch, Vincent B., General Editor. *The Norton Anthology of Theory and Criticism*. New York: W. W. Norton & Company, 2001.
16. Naipaul, V. S. *In A Free State*. New York: Vintage, 1971.
17. Rothenburger, Sunni Maye Justine. “Nation creation, nation mutation: Hybridity in ‘Wacousta’ and ‘Volkswagen Blues’ (John Richardson, Jacques Poulin).” Diss. Dalhouse University (Canada). 2001.
18. Schwarz, Bill, ed. *West Indian Intellectuals in Britain*. Manchester: Manchester University, 2003.
19. Smith, Dorsia. “A Dark Vision Of ‘A Third World’s Third World’: V. S. Naipaul’s Africa.” Diss. University of Puerto Rico. 2008.
20. Werbner, Pnina. “The Limits of Cultural Hybridity: On Ritual Monsters, Poetic Licence.” *The Journal of the Royal Anthropological Institute* 7 (2001). 01 Dec. 2009 <http://www.jstor.org/stable/2660840>
21. Wolfe, Patrick. “History and Imperialism: A Century of Theory, from Marx to Postcolonialism.” *The American Historical Review* 102 (1997). 01 Dec. 2009 <http://www.jstor.org/stable/2170830>